

علیرضایسیان؛ کارگردان فیلم «مردی بدون سایه» در گفت و گوبا «صبا»:

این فیلم شناسنامه دار است!

شاید بتوان گفت «مردی بدون سایه» به عنوان تکمیل کننده سه گانه «چهل سالگی» و «دوران عاشقی» شما باشد، چه مقدار این موضوع را قبول دارید و به نظر تان آیا این فیلم می تواند نقطه پایان دو کار قبلی باشد؟

قطعا این سه گانه با این فیلم تمام می شود و آن ایدئولوژی که من قصد داشتم درباره عشق و بحران های عاطفی در روزگار کنونی بگویم، با این فیلم به پایان می رسد؛ در واقع این موضوع به زبان هنری خودم بسیار نزدیک است. همچنین باید بگویم که با مشکلات زیاد و نامناسب بودن اوضاع اقتصادی این فیلم را ساختم؛ البته معتقدم این فیلم می تواند کامل کننده مناسبی باشد.

در این سال ها جزو کارگردان های گزیده کار بوده اید؛ آیا این گزیده کاری تعمدی است و حساسیت های تان باعث ایجاد وقفه های طولانی بین کارهای تان می شود یا دلیل دیگری دارد؟

من در سی و پنج سالی که در این عرصه فعالیت می کنم تنها شش فیلم ساختم اما بعضی ها در پنج سال، شش فیلم می سازند؛ باید از آن ها پرسید چطور این کار را انجام می دهند؛ امسال کارگردانی را دیدم که سه فیلم از او اکران شده بود؛ به نظرم این افراد رکورد دار هستند و در شرایط فعلی برد با این دوستان است. اعتقاد من این است هر زمانی احساس کنم که نیاز است موضوع و فیلمی را ساخت، کار کنم؛ به عبارتی به تناسب شغلم این کار را انجام دهم.

در هر سه فیلم شما، لیلا حاتمی به عنوان نقش اصلی زن حضور دارد؛ آیا می توان گفت این انتخاب به دلیل این است که بازی لیلا حاتمی به سلیقه شما نزدیک است یا در بین بازیگران فقط حاتمی بازیگر مناسب این نقش ها بود؟ دلیل این انتخاب چیست؟

به اعتقاد من خانم حاتمی برای این نقش ها مناسب ترین انتخاب بودند و غیر از او نمی توان به فرد دیگری فکر کرد. بهتر است این طور بگویم که برای طرح هایی که از این سه

فیلم در ذهنم داشتم فقط او می توانست آن ها را بازی کند؛ خیلی خوشحالم که با خانم حاتمی همکاری کردیم و فکر می کنم نتیجه خوبی هم داشته باشد.

با توجه به این که دو فیلم قبلی شما موفق ظاهر شدند؛ چه مقدار «مردی بدون سایه» می تواند مانند آن ها، هم در جشنواره و هم در زمان اکران موفق عمل کند؟

به طور کلی اگر بخواهم بگویم، جشنواره و جایزه هایی که اهدا می شود برای من در اولویت نیست و برای آن ها فیلم نمی سازم. ابتدا باید خودم درگیر موضوع شوم و بعد هم احساس کنم آن موضوع ضرورتی دارد که تبدیل به فیلم شود؛ در نهایت شروع به ساخت کنم. این دو موردی که ذکر کردم بیشترین اهمیت را برای من در ساخت فیلم دارند؛ سختگیری هایی هم که نسبت به خودم می کنم به همین دلیل است. فکر می کنم این فیلم نسبت به دو فیلم قبلی کامل تر و موفق تر خواهد بود زیرا داستان جذاب تری دارد.

این فیلم ملودرام است و چالشی از بحران های انسان معاصر را به تصویر می کشد اما این طور به نظر می رسد که رگه هایی از ژانر معمایی هم در آن وجود دارد. چه میزان این تعبیر صحیح است؟

فیلم ژانر معمایی ندارد و از جایی به بعد یک سری رمز و رازها وارد فیلم می شود که داستان آن را می طلبد. در واقع احساس من این است که زمان حاضر، زمان شک و تردید است و دیگر یقینی وجود ندارد، به همین علت فکر کردم باید به مسئله شکاکیت و ایجاد بحران های عاطفی عاشقانه بپردازم. در این فیلم تنها با رازهایی روبه رو می شویم اما این که ژانر معمایی دارد نه؛ بهتر است این طور بگویم که رازآلود و در سکانس هایی معمایی است.

با توجه به این که «مردی بدون سایه» به روابط زناشویی می پردازد (در دو فیلم قبلی تان هم به این موضوع پرداخته شده بود)؛ البته ما شاهد این هستیم که این موضوع دستما به بسیاری از فیلمسازان ما شده است. با این تفاسیر آیا ما به آنچه از این موضوع می خواستیم در فیلم هایمان رسیدیم و توانسته ایم نمودی از آنچه در واقعیت جامعه رخ می دهد را روی پرده سینما نمایش دهیم؛ به طوری که مخاطب بتواند با آن هم ذات پنداری کند؛ و به نظر شما چه مقدار برای نشان دادن این آثار موفق عمل کرده ایم؟

اتفاقا من فکر می کنم در حال حاضر سینماگران زیاد به این مسئله نمی پردازند. من راجع به دیگران نمی توانم نظر بدهم اما می توانم این را بگویم که ژانر ملودرام یکی از مهم ترین ارکان سینمایی در دنیا است و هیچ وقت به پایان نمی رسد؛ زیرا بسیاری از گفتنی ها را می توان در آن بیان کرد یعنی هم موضوعات اجتماعی، بحران های شخصی و هم نگاه های روان شناسانه و جامعه شناسانه را می توان روی ریل ملودرام مطرح کرد. کاری که من می کنم حتما از مسائل روزآمد نشأت گرفته است؛ این گونه نیست که بگویم هر جای دنیا این حرف ها به همین شکل گفته می شود. کارهای من مختصاتی دارد که هم شخصیت ها پیشینه ایرانی و فرهنگی دارند و هم این که بستر اجتماعی در بطن فیلم وجود دارد؛ به عنوان مثال پنج سال پیش من در فیلم «دوران عاشقی» مسئله بحران ارز را مطرح کردم یا در «چهل سالگی» بورس و مشکلاتی که این سیستم ها در جامعه سنتی ایجاد می کنند را ده سال پیش نمایش دادم. در این فیلم هم موضوع جدیدی را به تصویر کشیده ام که درباره آن بسیار تحقیق کرده ام یعنی مشکلات اقتصادی و معیشتی که بحران های فرهنگی و عاطفی زیادی را ایجاد می کند. فکر می کنم این فیلم شناسنامه دار است و فیلم هایی هم موفقند که شناسنامه هنری داشته باشند نه شعار.

در پایان اگر ناگفته ای مانده، بفرمایید.

امیدوارم کسانی که این نوع آثار را دوست دارند از این فیلم هم راضی باشند. ما تمام تلاشمان را کردیم که فیلم در استاندارد بالا و قابل دفاع سینمای ایران ساخته شود و در پایان امیدوارم از آن استقبال شود.



او فارغ التحصیل کارگردانی از دانشکده صداوسیما و دارای نشان درجه یک هنری معادل دکترای افتخاری از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است. فعالیت سینمایی را با دستگیری کارگردان در فیلم های کوتاه آغاز کرد اما به سرعت توانست خودش را در مقام کارگردانی فیلم های بلند اثبات کند. «ریحانه» و «بانوی اردیبهشت» از جمله فیلم های موفق او بودند. تقریباً ده سال پیش بود که رئیسین اولین فیلم از سه گانه اش را ساخت؛ سه گانه هایی با مضمون عشق و مشکلات عاطفی و اجتماعی. «چهل سالگی» و «دوران عاشقی» دو فیلم این سه گانه بودند و «مردی بدون سایه» سومین و آخرین فیلم این مجموعه است که قرار است در جشنواره امسال به نمایش در آید. به این بهانه با این کارگردان گفت و گو کردیم که آن را می خوانید.



لیلا سلمانی گفت و گو